

چهره‌ها و گفتگوها

%AA-)
3%A7-
P%88-
8east
%86%D9%87%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-
%D9%88-

EF%BB%A3%EF%BA%A0%EF%BB%A0%EF%BB%AA-%/)

%86%D9%87%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-
%D9%88-
(%DA%AF%D9%81%D8%AA%DA%AF%D9%88%D9%87%D8%A7

پری برکشلی : هنگامی که پس از انقلاب ناگزیر به ترک ایران شدم، احساس
فرزندی را داشتم که پدر و مادر او را از خانه بیرون کرده‌اند

بقلم احسان منوچهری (auteur/%D8%A7%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D9%86-/
(/%D9%85%D9%86%D9%88%DA%86%D9%87%D8%B1%DB%8C

تاریخ پخش شنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵



پری برکشلی، موسیقی‌شناس و پیانیست ایرانی

دانلود این برنامه

میهمان این هفته «چهره‌ها و گفتگوها» در جهان موسیقی و موسیقی‌شناسی ایران نامی دیرآشنا و پر آوازه است.
نخستین نغمات پیانوی او در کنسرتی عمومی، ۵۸ سال پیش از این تالار فرهنگ در تهران را از عطر امید بخش
خود آکنده کرد و از به بار نشستن تلاش‌های هنوز پراکنده آن دوران در این زمینه پرده برداشت. او آن هنگام تنها ۱۲
سال داشت. میهمان این هفته «چهره‌ها و گفتگوها» خانم پری برکشلی پیانیست و کنسرتیست سرشناس ایرانی است.

پری برکشلی از کودکی موسیقی و بویژه پیانو را نزد پدر خود، چهره شهیر موسیقی‌شناسی ایران، دکتر مهدی برکشلی، و نیز کیتی
خسروی، پیانیست معروف روسی، آموخته بود. او تحصیلات خود را در فرانسه انجام داد، از کنسرواتوار پاریس جایزه نخست دریافت
داشت و سپس به دانشجویی دانشگاه تهران رسید.

پری برکشلی کتابی به زبان فرانسه نگاشته که در ماه نوامبر سال جاری توسط انتشارات L'Harmattan منتشر شده است و *Où est
passé mon Damâvand* نام دارد که می‌توان آنرا با عناوین دماوند من کجا رفت؟ دماوند من چه شد؟ دماوند من کجاست؟ یا دماوند
من کو؟ معرفی کرد. این کتابی رویارویی پیانیستی با تبعید است و در واقع رویارویی نویسنده است با دوری از سرزمین خود.

پری برکشلی درباره این رویارویی می‌گوید هنگامیکه پیش از ترک ایران به دوری از سرزمین خود می‌اندیشید تنها «جنبه مادی آن خود را
آشکارا نشان می‌داد و چنین به نظر می‌رسید که از این جهت تبعید با دشواریهایی همراه باشد. اما تصور نمی‌کردم که بلحاظ معنوی و
عاطفی با توجه به اینکه من تحصیلات خود را در فرانسه انجام داده بودم، دوستان زیادی در این سرزمین داشتم و گمان می‌بردم که به
عنوان یک مهاجر، مهاجر خوشبختی خواهم بود». او می‌گوید وقتی به عنوان مهاجر به فرانسه آمدم «البته مشکلات روزمره وجود داشت و
من انتظار آن را از پیش می‌کشیدم. اما یک احساس رانده شدن بسراغم آمد. احساس کودکی که پدر و مادر تصمیم به راندن او می‌گیرند و
روزی به او می‌گویند از خانه برو زیرا دیگر تو را نمی‌خواهیم». وی می‌گوید «به هیچ روی انتظار روبرو شدن با چنین احساسی را
نداشتم بویژه آنکه این احساس قوی بود و کنار آمدن با آن زمان درازی را طلب کرد. من فرزند مملکتی بودم که اینک مرا از خود می‌راند».

پری برکشلی می‌گوید «با اینکه پاریس برایم کاملا آشنا بود، اما ناگهان حال و هوای این شهر برایم بیگانه شد. رنگ آسمان، خورشید که
دیگر آن گرمای آفتاب تهران را نداشت، بوهائی که عوض شده بود، همه وضعیتی ایجاد می‌کرد که جسما دوری از سرزمین را حس می
کردم. گم کردن جاهای آشنا که با دیدن آنها خاطرات انسان در ذهنش زنده می‌شود نیز این احساس را می‌دهد که پای انسان روز زمین
نیست. وی می‌گوید بدون تردید «موسیقی پایگاهی بود که تحمل این همه را آسان می‌کرد».

پری برکشلی می‌گوید «در ایران پس از اسلام به موسیقی ظلم بسیار شده است، زیرا اسلام همواره موسیقی را زیر سؤال برده، گاه ممنوع و حرام کرده و بهر حال در تحول آن کوششی نکرده است». از همین رو بگفته‌ او «موسیقی ایرانی به جمع‌های کوچک محدود شد و نقش اجتماعی خود را از دست داد و آنچه ردیف و موسیقی سنتی خوانده می‌شود، به همان شکل خود باقی ماند و تحول چشمگیری نیافت». در دورهٔ پیش از انقلاب کوشش‌هایی در جهت توجه به موسیقی صورت گرفت که «تاسیس دو مدرسهٔ تخصصی از جملهٔ آنهاست: یکی هنرستان موسیقی ملی که در آن موسیقی سنتی تدریس می‌شد و دیگری هنرستان عالی موسیقی که در آن موسیقی بین‌المللی با تمام مشتقات آن آموزش داده می‌شد بالاخره باید به تاسیس گروه موسیقی در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران اشاره کرد که اینهمه در اشاعه و توجه به این هنر نقش فراوان داشت. متأسفانه، رژیم اسلامی در این راه ممانعت ایجاد کرد».

پری برکشلی همچنین بر ضرورت توجه به خط موسیقی برای همگانی کردن و تامین تحول آن تاکید می‌کند بی‌آنکه چنین نظری نافی بداهه نوازی باشد.

او در این گفتگو از پدر خود یاد می‌کند و نیز با اشاره به رویدادهای پس از انتخابات ۸۸ در ایران و سرکوب شدید تظاهر کنندگان می‌گوید «چنان خشم و تاثر او را فرا گرفت» که نامهٔ سرگشاده‌ای خطاب به رهبران کشورهای جهان نوشت و از آنان خواست مقامات ایران را تحت فشار قرار دهند.

هنر به گفتهٔ پری برکشلی «مایهٔ زندگی است، فکر را باز می‌کند و احساس را پرورش می‌دهد». و مهمترین درس تبعید «اینست که انسان متعلق به دنیاست و دنیا متعلق به همه است. مرز مانند خط میزان در موسیقی است که دیدن و خواندن را آسان می‌کند اما جملهٔ موسیقی از جایی آغاز می‌شود و به جایی ختم می‌شود و از چندین خط میزان عبور می‌کند».

در پارهٔ پری برکشلی

در خانه‌ای ساخته از آوا بدنیا آمد و از کودکی در میان ساز و موسیقی بزرگ شد. پدرش دکتر مهدی برکشلی موسیقی دان و موسیقی شناس، استاد نام آور اکوستیک و رئیس دانشکدهٔ فیزیک دانشگاه تهران بود.

او در راه موسیقی نخستین گام‌های خود را دست به دست پدر برداشت. پیانو را نزد کیتی خسروی پیانیست روس و آموزش دیدهٔ کنسرواتوار مسکو آموخت و سپس وارد هنرستان عالی موسیقی شد. هنگامیکه تنها ۱۲ سال داشت، در تالار فرهنگ تهران کنسرتی اجرا کرد که نام وی را از همان زمان آشنای موسیقی دوستان نمود.

پری برکشلی سپس به فرانسه آمد و دهسال در کنسرواتوار شهر «آمین» و کنسرواتوار عالی موسیقی پاریس به تحصیل پرداخت و با درجهٔ ممتاز و جایزه اول فارغ التحصیل شد. وی هنگام تحصیل در کنسرواتوار پاریس آثار «الیویه مسیان» را با خود این آهنگساز معروف فرانسوی کار کرد.

پری برکشلی در پایان تحصیلات به ایران بازگشت، استادیار و سپس دانشیار دانشگاه تهران شد و در پایان به مدیریت دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران رسید. وی در همین دوران، در تلویزیون ملی ایران برنامه‌ای زیر عنوان «شناخت موسیقی کلاسیک» ارائه کرد که بسیار مورد توجه واقع شد و همزمان کنسرت‌های بسیاری را همراه با ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر مجلسی رادیو تلویزیون ملی ایران اجرا کرد.

پری برکشلی پس از انقلاب به فرانسه بازگشت و نخست به استادی در کنسرواتوارهای «مونتارژی» و «سن نوم لا بروئش» و نیز مدیریت دوره‌های آموزشی پیانو و ارکستر مجلسی در «بورگوین» پرداخت. او پیش از بازنشستگی استاد و رئیس کنسرواتوار «لوسه» در نزدیکی شهر «شارتر» بود.

وی در سالهای اخیر کنسرت‌های بسیاری در فرانسه، اطریش و آمریکا اجرا کرده و مقالات تحقیقی و آموزشی چندی نیز در زمینهٔ موسیقی و نیز آموزش پیانو تألیف و ترجمه کرده است.